



گفتارهایی در معرفت صانع

تألیف

سید حسین خادمیان

گردآوری و تدوین:

ذوالقدر، نصراله نژاد، صاعلی

خادمیان، حسین، ۱۳۹۵ ق. -

حصن حصین: گفتارهایی در معرفت صانع / تالیف حسین خادمیان؛ گردآوری و تدوین ذوالقدر...
(و دیگران). - قم: مشهور، ۱۳۸۴.

۲۴۰ ص.

ISBN 964 - 8350 - 50 - 7

شابک ۷ - ۵۰ - ۸۳۵۰ - ۹۶۴

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ۲۳۱ - ۲۴۰.

۱. خدا - - اثبات. ۲. توحید. الف. ذوالقدر، گردآورنده. ب. نصرالله نژاد، گردآورنده. ج. صاعلی، د. عنوان.

ه. عنوان: گفتارهایی در معرفت صانع.

۲۹۷ / ۴۲

خ ۲ / ۲ / ۲۱۷ / BP



انتشارات مشهور

شناسنامه کتاب

نام کتاب	حصن حصین
شارع و مترجم	سید حسین خادمیان نوش آبادی
ناشر	انتشارات مشهور
تهیه و تنظیم	ذوالقدر
ویراستار	الف و ب خادمیان
شمارگان	۳۰۰۰
نوبت چاپ	اول / ۱۳۸۴
چاپ	کوثر
قیمت	۲۵۰۰ تومان

دفتر فروش:

انتشارات مشهور / میراث ماندگار

قم: خیابان ارم - پاساژ قدس - طبقه آخر - پلاک ۱۸۴ ص. پ ۳۳۹۶ - ۳۷۱۸۵

تلفن: ۷۷۳۷۴۶۱ - ۷۷۴۶۸۰۶

دفتر مرکزی:

قم: خیابان سمیه / کوچه ۲۴ / پلاک ۴۱۸ / تلفن: ۷۸۳۱۶۴۶ / فکس ۷۷۳۰۳۶۵

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱۵	پیش‌گفتار
۲۰	در آمد
۲۰	نام این علم
۲۰	موضوع این علم
۲۰	علل پیدایش
۲۲	معروفترین فرق کلامی
۲۲	اشاعره
۲۴	ارکان چهارگانه اشاعره
۲۶	معتزله
۲۹	اصول پنجگانه معتزله
۲۹	امامیه
۳۰	تفاوت علم کلام با فلسفه
۳۱	هدف از آفرینش آدمیان
۳۳	شرایط کمال یابی
۳۳	جهان‌شناسی و ایدئولوژی
۳۴	مراتب تحقیق و تفحص
۳۴	شناخت
۳۴	الف. راه حس و تجربه
۳۵	ب. شناخت تعبّدی
۳۵	ج. راه کشف، شهود و عرفان
۳۶	د. راه تعقل و تفکر
۳۶	تقلید و تحصیل
۳۷	مخاطبان تحصیل و معرفت
۳۸	ضرورت شناخت اصول دین
۳۸	الف. دفع ضرر محتمل

۳۹	ب. وجود شکر منعم
۴۰	تعریف دین
۴۰	شبهاتی درباره پیدایش دین
۴۰	عوامل اقتصادی
۴۱	مختصری درباره رد شبهه اول
۴۱	جهل انسان
۴۲	کلامی در رد این نظریه
۴۳	ترس انسان
۴۳	کلامی در رد این نظریه
۴۳	میل جنسی
۴۴	کلامی در رد این نظریه
۴۴	علل مشرک شدن انسان‌ها
۴۶	خداشناسی امری فطری
۴۷	نقش راهنما
۴۹	عادت یا فطرت

گفتار اول براهین معرفت صانع

۵۳	برهان فطرت
۵۳	دلیل فطرت
۵۴	عقل بدیهی
۵۴	فطرت قلب
۵۵	فطری بودن معرفت خالق
۵۶	ویژگی شناخت فطری
۵۷	ویژگی ادراک فطری
۵۷	تفاوت غریزه با فطرت
۵۸	نقش اصل علیت در شناخت فطری
۵۹	برهان صدیقین
۶۱	برهان محدودیت
۶۳	برهان تدبیر و هدایت
۶۴	برهان امکان و وجوب
۶۵	برهان حدوث
۶۵	برهان حرکت
۶۶	برهان نفس

۶۷	برهان نظم.....
۶۷	برهان حکمت.....
۶۷	برهان آنسلم (وجودی).....
۶۸	برهان معجزه.....
۶۸	برهان وجدان و اخلاق.....
۶۹	برهان اجماع عقلاء.....

گفتار دوم توحید صانع

۷۳	یکتاپرستی در ادیان الهی.....
۷۴	براهین معرفت یگانگی خداوند.....
۷۴	برهان فساد یا تمنع.....
۷۵	برهان هدایت و فیض تشریعی.....
۷۵	برهان اقتضاء (صرف الوجود).....
۷۶	برهان تمییز.....
۷۶	اقسام توحید و مراتب آن.....
۷۷	توحید ذاتی.....
۷۸	توحید عبادی.....
۷۹	علت عربی بودن زبان عبادت.....
۷۹	تفاوت احترام با پرستش.....
۸۰	توحید افعالی.....
۸۰	تأثیر استقلالی.....
۸۲	توحید صفاتی.....
۸۶	رد سخن اشاعره.....
۸۶	رد سخن معتزله.....
۸۶	رد سخن کرامیه.....
۸۶	توحید تشریعی.....
۸۷	توحید استعانی.....
۸۷	توحید حبی.....

گفتار سوم صفات الهی

۹۶	دلایل عینیت صفات الهی با ذات.....
۹۶	صدق مفاهیم متفاوت بر مصداق واحد.....

۹۸	صفات ذات
۹۸	صفات فعل
۹۹	تفاوت صفات فعلی و ذاتی
۱۰۰	صفات جمال و جلال
۱۰۰	صفات ثبوتیه (جمالیه)
۱۰۰	تعداد صفات ثبوتی
۱۰۰	دلیل اجمالی بر اثبات صفات ثبوتی
۱۰۰	بازگشت صفات ثبوتیه به یکدیگر
۱۰۱	صفات سلبیه (جلالیه)
۱۰۲	دلیل اجمالی صفات سلبی
۱۰۲	بازگشت صفات سلبیه به یکدیگر
۱۰۳	بازگشت صفات سلبیه به سلب واحد
۱۰۴	بازگشت صفات سلبیه به ثبوتیه
۱۰۴	عدم بازگشت صفات ثبوتیه به سلبیه
۱۰۵	جواز اتصاف صفات سلبیه

گفتار چهارم

معروفترین صفات خداوند

۱۰۹	صفات ثبوتیه
۱۰۹	عالم
۱۱۴	علم خداوند
۱۱۴	فاقد شیء معطی شیء نیست
۱۱۵	آفرینش، دلیل علم الهی
۱۱۷	قدرت
۱۱۷	اثبات قدرت خداوند
۱۱۸	قدرت و ویژگی های آن
۱۱۹	قدرت بر کارهای محال
۱۱۹	قدرت بر کارهای قبیح
۱۲۰	حی
۱۲۰	ادراک حسی
۱۲۱	ادراک خیالی
۱۲۱	ادراک وهمی
۱۲۱	ادراک عقلی
۱۲۲	میرد

حدوث و قدم در اراده	۱۲۵
مدرک	۱۲۷
خداوند سمیع و بصیر است	۱۲۷
قدیم و ازلی (سرمدی)	۱۲۸
متکلم	۱۲۹
دلیل بر کلام الهی	۱۳۰
آیا کتاب خدا کلام است؟	۱۳۱
صدق	۱۳۴
خداوند حکیم است	۱۳۵
فرق بین حکمت انسان و حکمت خداوند	۱۳۷
خداوند غنی است	۱۳۸
قیوم	۱۳۸
خداوند جواد است	۱۳۹
ملک	۱۳۹
خداوند فوق التمام است	۱۴۰
خداوند حق است	۱۴۱
خیر محض	۱۴۱
جبار	۱۴۲
قهار	۱۴۲
سلویه	۱۴۲
صفات سلویه	۱۴۲
مرکب نیست	۱۴۲
مرکب چیست؟	۱۴۲
بسیط چیست؟	۱۴۳
مرکب چند نوع است؟	۱۴۳
چرا خداوند مرکب نیست؟	۱۴۳
مرئی نیست	۱۴۴
محل ندارد	۱۵۳
مکان ندارد	۱۵۴
محل حوادث نیست	۱۵۶
با غیر متحد نمی شود	۱۵۷
واجب الوجود دارای جهت نیست	۱۵۸
شریک ندارد	۱۶۰
مثل ندارد	۱۶۱

۱۶۲	ضد و غیر ندارد.....
۱۶۳	محتاج به غیر نیست.....
۱۶۵	دارای لذت و الم نیست.....

گفتار پنجم عدل الهی

۱۷۱	چرا عدالت از اصول دین است؟.....
۱۷۲	جهل.....
۱۷۲	ترس.....
۱۷۲	نیاز و کمبود.....
۱۷۲	خبائث ذاتی.....
۱۷۴	معنای عدل.....
۱۷۵	فرق میان مساوات و عدالت.....
۱۷۵	دلیل عدل الهی.....
۱۷۷	قرآن و عدالت پروردگار.....
۱۷۸	قرآن و دعوت به عدل.....
۱۷۸	فلسفه آفات و شرور.....
۱۷۹	داوری نسبی و معلومات محدود.....
۱۸۱	حوادث ناخوشایند و هشدارها.....
۱۸۲	انسان در آغوش مشکلات پرورش می یابد.....
۱۸۳	مشکلات سبب خودسازی است.....
۱۸۵	مشکلات و نوآوری.....
۱۸۵	علل نگرانی های.....
۱۸۷	مشکلات خود ساخته.....
۱۸۹	پاسخ اجمالی از شبهه شرور.....
۱۹۲	وجود، شر نمی باشد.....
۱۹۴	اقسام شر.....
۱۹۴	سببیت.....
۱۹۶	بطلان ثنویت.....
۱۹۶	شرور اضافی شرور نیستند.....
۱۹۶	آیا شر امر وجودی است؟.....
۲۰۵	پاسخ به چند سوال در مورد عدل الهی.....

گفتار ششم
قضا و قدر

۲۱۵	معنای قضا و قدر
۲۱۶	قضا بعد از قدر است
۲۱۶	معنای دیگر قضا و قدر
۲۱۷	انواع قضا و قدر
۲۱۸	قضای عام و خاص
۲۱۹	لزوم ایمان به قضا و قدر
۲۱۹	بداء
۲۱۹	توضیح سخن

گفتار هفتم
امر بین الامرین

۲۲۳	نظریه جبريون
۲۲۴	بررسی نظریه
۲۲۵	رابطه سببیت با توحید افعالی
۲۲۶	استدلال اشاعره بر جبر
۲۲۸	نقش علم الهی در تحقق جبر
۲۲۹	آیا ما به جبر خلق شده ایم؟
۲۳۰	نظریه کسب
۲۳۱	نقش وراثت و عوامل اجتماعی در اراده
۲۳۱	نظریه تفویض
۲۳۲	نقد تفویض
۲۳۵	امر بین الامرین
۲۳۶	تفسیر دیگر پیرامون امر بین الامرین

پیش گفتار:

در دوران حیات آدمی آنچه شهود صاحبان اندیشه و مدقین اسرار بوده، ظهور این معنا است که هر چیز، خواه در محور عقل و یا بر پایه خیال، سبب خاصی دارد و اثبات و ثبوت آن نیازمند تلاش و کوشش فکری و عقلانی است.

انسان که به گونه فطری دائماً به دنبال کشف منشاء و علت‌ها است؛ در اولین قدم خواستار یافتن مسیر خلقت و سبب آن است. می‌خواهد این ره‌یافت را بر اساس براهین عقلی و منطقی کشف کرده و به شهود برساند. زیرا حکما فرموده‌اند: مبنای تمام شئون انسانی خلدجان اندیشه است، بنابراین به حکم اندیشه، قصور یا تقصیر در ادراک مبادی علمی وجود و طرق شهودی سلوک، مایه فقر، قدح و حیرت است و عمل بر پایه افق خواسته‌های کمالی، سرمایه صعود، رفعت و سعادت است.

پاسخ به پرسش ابتدایی عقل سلیم، که همانا دریافت فهم صحیح از مبدأ خلقت و معرفت غیر ناعی و هم چنین سؤال از رابطه و ارتباط با آفریدگار است؛ مهم‌ترین و بزرگترین خاصه فکر جستجوگر و علت‌یاب انسان می‌باشد.

از آن جا که عروج آدمی در حال تحیر در تمام مراحل و مباحث محال و بی‌ارزش است؛ هر کس بتواند به پرسش‌های آدمی به خصوص به سؤال مربوط به خالق هستی پاسخ‌افغانی بدهد؛ او را از تردید و شک یعنی حیرت و تحیر جدا ساخته و موجبات حرکت او را فراهم نموده است.

به خوبی روشن است که انسان، فرمان بردارِ راهنما و راهبر است. پس آن‌که مقام معلمی را در برداشت، اطاعت بنی آدم را در کف دارد و قهراً زعامت و هدایت بنی بشر را ولو در ظرف عدد و زمان محدود و خاص، بر ذمه می‌گیرد. البته اگر این هدایت مبتنی بر واقعیت و رهنمودش از ضمانت اجرایی برخوردار باشد؛ حقیقت شیرین، مختوم حیات پیرو بوده و در صورت خلاف، شقاوتی تلخ پایانه محتوم زیستن مقلد، بر مدار تقلید کورکورانه است.

بنابراین پویندگان سبل سلام و طالبان سرشاری از سعادت و صلاح، دائماً در پی شناخت و معرفت مبدأ و منتهای عالم بوده‌اند؛ تا از معدن فیضان وجودی خویش حظّ و طرفی بگیرند و ببرند.

از آنجا که شعاع پرسمان همان گونه که خزش گاهش اندیشه است، فرودگاه آن هم باید اندیشه باشد، بدین جهت، مرام و آیینی جامعیت دارد که امواج هدایتش حجت و برهان، موالد و ثمرات جنبشش، معرفت و اطمینان، مراحل تکامل آن اقناع و ایضاح، کشف و شهود، اتقان و ایقان باشد.

مرامی که انسان را در دو هاله تخیل هیچ بر مدار هیچ و توهم صدفه بر اساس تصادم می‌پیچاند؛ نتیجه‌اش تردید و دوران بین جهالت و ضلالت و شاخه‌های تکیده و برگهای خشکیده‌اش جلوگاه انحراف در کویر عطش افزای عقل و اندیشه است.

مسئله‌ای که برای مبدأ، نظیر و تعدد، تناسل و تناقض، تساق و تحرک، حلول و تحول و غیره می‌بافد فراورده‌اش تشنیت جامعه و ترک یافته‌های بافته‌اش و آلبومی شدن و به موزه رفتن فضیلت‌های مفقود و بی‌رنگ شدن قباحات زشتی‌های مورد طردش می‌شود.

مشیی که تمام افتخار و استنادش، گفتار، کردار و پندار نیک است؛ یعنی شعاری که در مقام عمل، شعوری کاربردی از آن طراوش نمی‌شود و حد و رسم آن دائماً در مدار مجهولیت، سکونی در قالب حرکت متبلور می‌کند. یعنی مرامی که، در متن خود، آتش را که ظرف سوزاندن است، مبنای ساختن قرار می‌دهد؛ به همان دلیل بی‌دلیلی که سگ را برابر انسان معرفی می‌کند و برهانی اقامه نمی‌کند که چرا دبه سگ برابر انسان است و اوج آینده سازی آن وعده ظهور ولادت سوشیانی در پایان هر هزاره و اول هر یک هزار سال از دختری باکره می‌باشد، تا دیگران خراب کنند و او بسازد؛ در حالی که شعار نیک مداری آن، پیروانش را مختال فخور کرده. بنابراین میوه این مرام جز تعطیلی عقل و انسانیت، چیز دیگری نمی‌تواند باشد؛ که در دوران مختلف و ادوار متعدد مؤبدان سر تراش با زندانی کردن زنان حالت زده و منحصر کردن علم و تعلیم، برای به اصطلاح بزرگ زادگان و مستضعف نگه داشتن مستضعف زادگان، حقیقت تلخ این سلوک ناقص و منحط را نقاشی نموده‌اند.

حقیقتاً آیا زدن زنی که فاحشه می‌بینه مرتکب شده و با قداست و عفاف خانواده بازی

کرده و برای اطفاء هوس شیطانی به کانون مقدس خانواده خیانت کرده ظلم به زن است،^۱ یا زندانی کردن زن حائض به جرم عادت شدن^۲

به راستی آنها که اتکاء و افتخارشان ره آورد زرتشت است؛ به این پرسش پاسخ دهند: چرا در دوران پادشاهانی که کیش زرتشت را در ایران جاری می کردند؛ ایران پهناور هر روز محدودتر می شد؛ تا آنجا که حتی ایران فعلی از ایران چهل سال پیش هم کوچکتر است. پس حکومت پادشاهی قدرتمند چه می کرد؟ چه شد در زمان اجرای دین مبین اسلام، در ایران، با اینکه حکومت اسلامی از نظر قدرت، مانند حکومت پادشاهی نبود و در حالی که تمامی کشورهای قدرتمند با تمام توان در تمامی ابعاد به ایران هجوم آوردند؛ پس از هشت سال تجاوز حتی یک وجب هم از خاک ایران کم نشد! آیا نه این است که ره آورد اسلام شرف، غیرت و سعادت است و پیام زرتشت، مسیحیت تحریف شده و ... سستی و بی همتی است؟ آیا با گفتار و پندار و کردار نیک و این که سوشیانتی خواهد آمد تا بسازد؛ وطن و تمدن حفظ می شود؟ یا با اشاره «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا» و «قاتلوا ائمة الکفر» از دینی که عاطفی ترین مسائل مانند «لا تقربوا مال الیتامی» تا حقیقتی برای ماندن؛ مثل جهاد و قتال را برای کوتاه کردن دست متجاوز، تبیین گری می کند.

بنابراین کسانی که در بن بست محاجه فکری آتش را ابزار عمل و در عمل و باطن آن را مقتدا و کارخانه طهارت می دانند؛ کویر نارستان را به اسم مرغزار و بوستان به پیروان خود تحمیل کرده اند.

در این شط مشقت کرانه امن و عقل، آن مکتبی است که برای باغ انسانیت، بهار و بر موج شبهات کنار و برای گل تفکر شمیم و برکوری استدلال نسیم باشد.

اسلام و معارفش همان بهار و کنار و شمیم و نسیم است که از بدو ظهورش تا ختم انسانیت، خورشید فروزان و درخشان هدایت است. زیرا اسلام مکتبی است که با شعار محفوف به شعور البته در میان کثرات عناد و کینه، زایشگاه فکر و اندیشه و خواستگاه حب و انگیزه و فرودگاه تعقل و تدبیر یعنی همان خزشگاه ابتدائی آنان بوده است. این مکتب سرافراز، از حسیض اندیشه نوری تا ذروه اعلای لبیب با بصیرت، رهنمود معقول

دارد که امر و نهی آن، هم ضمانت اجرا دارد و هم مایه برهان.

مژده رحمتش برای فریفتن و جذب طرفدار و دفن حقیقت در لجن زار روی و ریا نیست و وعده عقاب و عذاب و قصاصش برای التیام عقده‌ای درونی و تسلط بر امور فانی نمی‌باشد. آن چه از معرفت مبدأ و خالق بر صبغه شناخت و استدلال تدوین می‌کند، حقیقتی استوار است که با جلای صدر و صفای قلب مشعور، شهود می‌شود و هر آنچه از ذات آفریدگار و عالم سلب می‌کند، برائتی متین است که رشافت آن گلبن اعتماد اندیشه را شکوفا می‌نماید.

در حقیقت معارف دینی اسلام در مقام هدایت، آدمی را از زندان مادی و محکوم به فنا و اندکاک آزاد ساخته و او را به «حصن حصین» یعنی قلعه محکم توحید رهنمون می‌سازد و مخاطبش با دریافت حقیقت مبدأشناسی و ایجاد رابطه صحیح با هستی آفرین به کمال نوعی و نهایی خویش می‌رسد.

این صحیفه که در بر دارنده گفتارهایی درباره معرفت صانع است؛ تراوشی با طراوت از ره آوردی علمی - کاربردی است که در طول سالیان متعدد محک تحقیق و تفحص، تدریس و تعلّم، همراه با تدبّر و تعقّل را چشیده است و اکنون به زیور طبع آراسته تا برگ دیگری باشد از معدن بی‌انتهای معارف اسلام مبین.

در این مقام چند نکته را به جهت تذکر مسطور می‌سازد!

۱. کتب علمی مشحون از اقتباس و عاریت است و این رسمی مرسوم و ممدوح است تا ره آورد علمی دیگران زنده بماند و مؤثر آن آثار فایض از جهد و اجتهادش. این صحیفه هم بر این اصل استوار گشت؛ البته لطایف بدیع و مستند آن به طور موج در سطر سطر این اوراق در تلاطم و بر ناظر باحث هویدا و ظاهر است.

۲. بزرگان علم و عمل یعنی صاحبان ذهن و قّاد و طبع نقاد همیشه قصور باعی و فتور ذراعی را مغفوّ داشته و فلتات علمی و لغزشهای لفظی را مستور دانسته و کریمانه آنها را به تدوین گر ممکن الخطأ تقدیم داشته‌اند که رجای واثق می‌رود این شبوهی حسنه نسبت به این اثر هم لحاظ گردد.

۳. نشر و تنظیم و به شیرازه کشیدن آثار زحمات و موانع بسیار دارد که برای رفع و دفعش تلاش فنی، ویرایش علمی و ویراستاری ادبی لازم می‌نماید؛ به همین جهت قدردانی می‌کنیم از زحمات فاضل ارجمند جناب ثقة‌المحدّثین «عنایت الله ذوالقدر» که

ویرایش علمی - ادبی را عهده دار شدند و سرکار خانم‌ها «نصرالله نژاد و صاعلی» که تکلف قلمی نمودن آنچه در محور بیان بود و گردآوری مقالاتی که پراکنده بود را به عهده گرفتند و سپاس می‌گوییم تلاش مثاب مسئولین ارجمند مؤسسه فرهنگی مشهور، خصوصاً جناب آقایان «خانه زرین، متقی‌زاده و بابکی» که به حق، حقی سنگین بر دمه حقیر دارند و برای ترسیم و نشر این اثر معاونت فرمودند کمال امتنان را دارد.

در پایان امید است که خدای سبحان همه‌ی ما را مشحون رشحات فضل ساری و نصحات فیض صاری خود گرداند و نگارنده و خوانند را محظوظ از این اثر فرماید و ثمر این مکتوب را مصداق فرمایش نبوی ﷺ «المومن اذا مات و ترک ورقة واحدة علیها علم تكون تلك الورقة يوم القيامة سترأ فیما بینہ و بین النار واعطاه الله تبارک و تعالی بکل حرف مکتوب علیها مدینة اوسع من الدنيا سبع مرات» قرار دهد، در ثواب این اثر ارواح همه عالمان مجاهد و شاهدان و جانبازان کریم و در صدر، مرحوم امام راحل ﷺ را شریک سازد و رهبر عالم و افقه ما این تنها رهبر عادل، مشروع و فاطمه‌زاده‌ی سرزمین عالم دنیایی، حضرت نایب المهدی المنتظر (عج) آیت الله العظمی فائدا المعظم «امام خامنه‌ای» را تا سپردن لوای حق به دست تنها یادگار فاطمی، بقیه الرحمان ﷺ محفوظ از حسادت‌ها، جفاها و بلایا فرماید و ما را در متخلق شدن به معانی حق مکتب تربیتی اسلام موفق و مؤید نماید.

والعزة لله جمیا

ابن الفاطمة ﷺ

تهران - سید حسین خادمیان